

حقوق بانوان متهم در نظام حقوقی ایران

اعظم مهدوی پور* مجتبی اصغریان** سید محمدرضا نقیعی***

چکیده

برقراری عدالت کیفری یکی از مهم‌ترین آرزوهای بشر در طول تاریخ بوده که تحقق آن در پرتو برگزاری دادرسی عادلانه مبتنی بر فراهم کردن حق دادخواهی و دفاع ممکن خواهد شد. آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنها نقش دارد، زنان را شایسته‌ی حمایت‌های ویژه‌ای می‌کند. پیشگیری از بزه‌دیدگی دوباره‌ی زنان - به‌ویژه بزه‌دیدگی قضایی در جریان دادرسی‌های کیفری - ایجاب می‌کند که از زنان، چه در مقام شاکی و بزه‌دیده و چه در مقام متهم در سطح سیاست جنایی تقنینی و قضایی کشور، حمایت‌های مناسب شود. در قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر مقررات و آیین‌نامه‌ها حقوق زیادی برای متهمان پیش‌بینی شده است. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران بررسی شده است و حقوقی که متهمان زن در راستای عدالت قضایی از آن بهره‌مندند، به اختصار بیان می‌شود. صرف‌نظر از اینکه قوانین دادرسی اصولاً باید براساس ویژگی انسانی و تفاوت جنسیتی تصویب شوند، زنان متهم در فرایند دادرسی نیازمند نگرش افتراقی و حمایت‌های ویژه‌ای هستند.

واژگان کلیدی

حقوق بانوان متهم، تبعیض مثبت، قانون آیین دادرسی کیفری، ضمانت اجرا، سیاست کیفری افتراقی.

*. استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، (amahdavipoor@yahoo.com).

** استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی، (mojtaba.asgharian@yahoo.com).

*** دانشجوی دوره دکتری رشته فقه و حقوق جزا، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول).

(naghibi_mr@yahoo.com).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۵/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۱۷

۱. مقدمه و بیان مسئله

توجه به حقوق متهم از موضوع‌های مهم در عرصه‌ی «حقوق موضوعه» است که در سیستم قانون‌گذاری اسلامی بر مبنای اصل «کرامت انسان» و اصول «عدالت» و «امنیت» توجه خاصی به آن شده است.

از جمله حقوق بر شمرده شده برای متهم در اسلام اصل «جواز پذیرش و کیل در دعاوی» است؛ بر اساس این اصل، در موارد مقتضی نه تنها گرفتن و کیل مانعی ندارد، بلکه به دلیل کمک به تحقق عدالت، پسندیده و بلکه ضروری است.

اصل «برائت» از دیگر حقوقی است که در فقه اسلامی در برخورد با متهم مقرر شده است. اصل برائت در فقه شیعه و عدالت علوی جایگاه محکمی دارد و بسیاری از احکام و آراء مبتنی بر آن صادر می‌شوند، از جمله حق دفاع متهم از خود که ثمره و نتیجه‌ی پذیرش اصل برائت است. با استناد به اصل برائت هیچ‌کس مجرم نیست تا مادامی که جرم او اثبات نشده باشد. بنابراین اگر به کسی اتهامی زده شود، متهم در دفاع از خود حق دارد در مهلت قانونی بینه اقامه کند و یا حتی در برخی موارد اصل برائت، متهم را از اثبات بی‌گناهی خود بی‌نیاز می‌کند.

اصل ضرورت جبران خسارت وارده بر متهم نیز از حقوق بر شمرده شده برای متهم است. از دیدگاه اسلام متهم هیچ‌گاه از حقوق ذاتی خود محروم نمی‌شود و ظلم و اجحاف به وی روا نیست. همچنین صدور قرار تأمین متناسب با وضعیت متهم (ضمان و کفالت)، احترام به حیثیت ذاتی افراد، دادرسی فوری و بدون تأخیر، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی، تفهیم اتهام، استفاده از مترجم، منع تعقیب و توقیف خودسرانه، حق سکوت و منع مداخله‌ی خودسرانه در مسکن و زندگی خصوصی از جمله حقوقی است که در شریعت اسلام و سیستم قضایی امیرالمؤمنین (علیه السلام) برای متهم لحاظ شده است.

در قوانین موضوعه ایران همچون قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی، قانون آیین دادرسی کیفری یا سایر مقررات و آیین‌نامه‌ها حقوق زیادی برای متهمان و همچنین حقوق ویژه‌ای برای متهمان زن پیش‌بینی شده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و یکم^۱ ضمن

۱. اصل (۲۱) قانون اساسی: دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین کند و امور زیر را انجام دهد:

الف) ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او؛
ب) حمایت مادران، به‌خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست؛
ج) ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کيان و بقای خانواده؛
د) ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست و
ه) اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.

تأکید مستقل و خاص بر حقوق زنان، همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد را یکسان در پناه حمایت قانون قرار داده و بهره‌مندی زن و مرد از حقوق خود را در چارچوب مقررات اسلامی تعریف و تفسیر کرده است (اصول ۲۰ و ۴).^۱ این شیوه‌ی نگرش و برداشت باعث شده تا قانون‌گذار ایرانی در قوانین عادی احکام متفاوتی را درباره‌ی زنان به تصویب برساند؛ درعین حال، به لحاظ آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان و با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمانی آنها، گاهی حمایت‌های کیفری خاصی را از رهگذر جرم‌انگاری‌های مستقل پیش‌بینی و قوانین شکلی خاص را وضع کرده است. «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» - که اولین و تنها سند جامع حقوقی زنان در ایران به‌شمار می‌رود- نیز در این راستا گام برداشته است. تفاوت‌های جنسیتی زنان با مردان، آسیب‌پذیری بیشتر زنان نسبت به مردان و توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات جسمانی آنها موجب شده است که نظام حقوقی حاکم بر ایران گاهی حمایت‌های کیفری خاصی را از رهگذر جرم‌انگاری‌های مستقل و وضع قوانین شکلی خاص پیش‌بینی کند (مهرا، ۱۳۸۴: ۱۱).

زنان و مردان به لحاظ حقوق مدنی و سیاسی و پیامدهای اعمال این حقوق با یکدیگر برابرند، اما به لحاظ ویژگی‌ها و خصوصیات جسمانی زنان - که آنها را در موقعیت آسیب‌پذیرتری نسبت به مردان قرار می‌دهد- باید از حمایت‌های ویژه‌ای از جمله حمایت‌های کیفری برخوردار شوند (به اصطلاح تبعیض مثبت). تقسیم متهمان به زن و مرد نیز مبتنی بر ملاحظه‌ی تفاوت‌های نشئت گرفته از جنسیت ایشان در قانون‌گذاری و حمایت از حقوق آنهاست.

در اصطلاح حقوقی، متهم مقابل مجرم و محکوم قرار دارد. مجرم کسی است که از مرحله‌ی دادرسی عبور کرده و علیه او حکم کیفری صادر شده است، ولی متهم به کسی گفته می‌شود که به‌عنوان فاعل یا انجام‌دهنده‌ی کاری فاعل جرم تلقی شده، ولی هنوز انتساب جرم به او محرز نشده است و در تقابل مجرم استعمال می‌شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۰: ۶۱۴). به‌همین دلیل گفته می‌شود هر متهمی لزوماً مجرم نیست مگر اینکه دادگاه صالح جرم وی را اثبات کند. این آموزه که از اصل برائت نشئت گرفته، معرف حقوقی است که از آن به حقوق متهم یاد می‌شود. حقوق متهم به‌معنای مجموعه ظرفیت‌هایی است که در یک دادرسی عادلانه باید به متهم داده شود تا بتواند در مقابل ادعایی که برخلاف فرض برائت علیه او مطرح شده از خود دفاع کند. به موجب این

۱. اصل (۲۰) قانون اساسی: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

اصل (۴) قانون اساسی: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزائی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر برعهده فقهای شورای نگهبان است.

حق، متهم مکلف به اثبات بی‌گناهی خود نیست؛ بی‌گناهی او مفروض است مگر اینکه دادستان خلاف آن را اثبات کند، یعنی دادستان باید عناصر جرم را ثابت کند (شاملو، ۱۳۸۳: ۲۶۴).

متهمان زن علاوه بر حقوق عامی که همه‌ی متهمان از آن بهره‌مندند، باتوجه به ویژگی‌های جنسیتی و آسیب‌پذیری به یک سلسله حقوق و حمایت‌های اختصاصی نیاز دارند. از این رو، پژوهش در حقوق اختصاصی زنان امری اجتناب‌ناپذیر است. در موضوع حقوق متهم پژوهش‌های فراوانی انجام شده است، ولی درباره‌ی حقوق اختصاصی زنان پژوهش‌چندانی انجام نشده است و تاکنون مبانی حقوق اختصاصی آن نیز به صورت جامع در مقالات علمی پژوهشی بیان نشده است. بنابراین در این نوشتار به این سؤال اساسی پاسخ داده شده است که حقوق اختصاصی زنان متهم کدام‌اند؟ با عنایت به مبانی انسان‌شناختی و ویژگی‌های اختصاصی زن، پاسخ به این سؤال به صورت فرضیه به اثبات رسیده است و آن اینکه ضرورت بهره‌مندی از پلیس و ضابط زن و لزوم آموزش ضابطان زن برای بازجویی از متهمان زن در مرحله‌ی کشف جرم و تحقیقات مقدماتی و برخورداری از فرصت غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی به‌ویژه در جرائم منافی با عفت، بهره‌مندی از مددکار و مشاور زن در مرحله‌ی دادرسی و به همراه داشتن طفل، لزوم بهره‌مندی از مأمور بدرقه زن از جمله حقوق متهمان زن در مرحله‌ی اجرای حکم به شمار می‌آید. از این رو اثبات این فرضیه با جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و توصیف، تجزیه و تحلیل روشمند اطلاعات انجام شده است. بنابراین روش تحقیق در این مقاله را می‌توان روش توصیفی و تحلیلی به شمار آورد. از منظر مقصدشناسی، باید شناسایی حقوق اختصاصی زنان متهم را مقدمه‌ی ارتقای حقوق زنان متهم در حقوق کنونی حاکم بر کشور به‌شمار آورد. توسعه‌ی ادبیات حقوقی ناظر به حقوق زن نیز از جمله اهداف نظری این پژوهش است.

۱. حقوق اختصاصی متهمان زن در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

کشف جرم عبارت است از اقدام‌هایی که پس از اطلاع از وقوع جرم برای حفظ آثار و دلایل موجود، دستگیری متهم و جلوگیری از فرار وی و نیز جمع‌آوری اطلاعات مربوط به بزه ارتكابی انجام می‌شود. این امر زیر نظر مقام قضایی برعهده‌ی ضابطان دادگستری است (غفاری و عباسی کلیمانی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). متهم در این مرحله امتیازها و حقوقی دارد که مانع تعرض پلیس به وی می‌شود؛ از جمله این حقوق می‌توان به احضار یا جلب متهم به‌وسیله‌ی احضارنامه یا برگه جلب^۱

۱. ماده (۱۶۹) ق.آ.د.ک: احضار متهم به‌وسیله احضاریه به‌عمل می‌آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن به متهم ابلاغ می‌گردد و نسخه دیگر پس از امضا به مأمور ابلاغ مسترد می‌شود.

منع تعقیب و توقیف خودسرانه،^۱ احترام به حیثیت ذاتی افراد^۲ و تفهیم اتهام^۳ اشاره کرد. در مرحله‌ی تحقیقات مقدماتی نیز علاوه بر این حقوق باید مواردی همچون حق همراهی به وسیله‌ی وکیل دادگستری،^۴ اعطای فرصت کافی برای دفاع،^۵ قواعد حاکم بر جمع‌آوری ادله،^۶ منع مداخله‌ی خودسرانه در مسکن، زندگی خصوصی و مراسلات،^۷ صدور قرار تأمین متناسب با اتهام و وضعیت متهم^۸ و قابل تجدیدنظر بودن قرارهای موقوفی تعقیب و منع تعقیب^۹ نیز رعایت شود.

علاوه بر این حقوق مشترک بین متهمان زن و مرد، حقوقی نیز مختص متهمان زن است که عبارت است از: ضرورت وجود پلیس زن برای حمایت از منزلت انسانی زنان متهم و بزهکار، ضرورت وجود ضابط زن برای انجام بازرسی بدنی زنان و بازرسی از اماکن مخصوص بانوان و همچنین بازجویی به وسیله‌ی ضابط آموزش‌دیده‌ی زن.

الف - ضرورت وجود پلیس زن: با تحولات جوامع در قرون اخیر و افزایش حضور زنان در عرصه‌های اجتماعی، آمار بزهکاری زنان نیز افزایش یافته است. به همین علت در چند دهه‌ی اخیر در برخی از کشورهای جهان، سازمان‌های پلیسی احساس کردند که نیاز به استفاده از نیروی پلیس زن وجود دارد. بی‌تردید حضور اجتماعی فزاینده‌ی زنان از یک سو موجب انواع بزهکاری و بزه‌دیدگی آنها و از سوی دیگر دلیل ورودشان به پهنه‌ی فعالیت‌ها و شغل‌های پلیسی، کیفری و

۱. اصل (۳۲) قانون اساسی: هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.

۲. اصل (۳۹) قانون اساسی: هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.

۳. اصل (۳۲) قانون اساسی: هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۴. اصل (۳۵) قانون اساسی: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.

۵. ماده (۱۹۳) ق.آ.د.ک: دادگاه مکلف است مفاد اظهارات طرفین دعوا و عین اظهارات یک طرف را که مورد استفاده طرف دیگر باشد و همچنین عین اظهارات شهود و اهل خبره را در صورت مجلس منعکس کند. دادگاه پس از پایان مذاکرات به‌عنوان آخرین دفاع به متهم یا وکیل او اجازه صحبت داده و پس از امضای طرفین رسیدگی را ختم می‌کند.

۶. همچون اصل برائت و منع شکنجه.

۷. ماده (۵۸۲) ق.م.ا: هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع کند یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هیجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۸. ازجمله مهم‌ترین اقدامات مقام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی صدور قرار تأمین است که در ماده (۲۱۷) ق.آ.د.ک عبارت‌اند از: التزام به حضور با قول شرف؛ التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛ اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله؛ اخذ وثیقه؛ بازداشت موقت.

۹. ماده (۲۷۰) قانون آ.د.ک: علاوه بر موارد مقرر در این قانون، قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:

(الف) قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی،

(ب) قرار بازداشت موقت، ابقاء و تشدید تأمین به تقاضای متهم،

(ج) قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم.

قضایی شده است. علاوه بر این، با توجه به میزان جمعیت زنان در کل جمعیت کشور و با عنایت به فرصت‌های مختلف جدیدی که برای حضور و فعالیت اجتماعی زنان به وجود آمده، دختران و زنان (چه بزه‌دیده یا شاکی و چه متهم یا مجرم) بیشتر در معرض نظام حقوقی-کیفری قرار می‌گیرند؛ همچنان که حقوق و آزادی‌های آنها در این نظام بیشتر موضوعیت پیدا می‌کند و نهادهای پلیسی بیش از گذشته، به مداخله در امور این قشر از جامعه ناگزیر می‌شوند. پس مداخله‌ی پلیس زن به دلیل نوع ارتباط عاطفی که با زنان دارد، نخستین گام در اجرای عدالت محسوب می‌شود (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۳۶). از سوی دیگر، روحیه‌ی حساس و آسیب‌پذیر زن می‌تولد فردی که مانند خودش روحیه‌ی لطیف دارد را همراهی و از او مواظبت کند تا بتواند وضعیت وی را درک کند.

تحقیقات گسترده درباره‌ی مناسب‌نبودن برخی از وظایف پلیس برای افسران زن نشان می‌دهد که پلیس زن می‌تواند همانند مردان همکار خود، به‌خوبی مأموریت‌های پلیسی انجام دهد. مأموریت‌های بانوان مانند بازرسی مرتبط با بانوان، آزمون راهنمایی و رانندگی مخصوص زنان، انگشت‌نگاری بانوان، بازدید از اماکن خاص زنانه و مبادی ورود و خروج از کشور هنگامی مطابق موازین اسلامی و شرعی انجام می‌شود که مأموریت به‌وسیله‌ی زنان پلیس انجام شود. حتی استفاده از پلیس زن در برخی موارد همچون تحقیق از کودکان بزه‌دیده و همچنین زنان قربانی خشونت با توجه به روحیات و عواطف زنان و نیز امکان برقراری ارتباط بهتر میان پلیس و بزه‌دیده برای نیروی پلیس کارایی بیشتری خواهد داشت. در عین حال ایجاد حس اعتماد و آرامش برای کودک بزه‌دیده، او را از آسیب‌های جدی در زمان بازجویی و به‌عبارت دیگر از قربانی شدن مکرر در مقابل دستگاه عدالت کیفری در امان خواهد داشت (باقری‌نژاد، ۱۳۸۸: ۲۹۱).

در ایران، پذیرش و تربیت زنان پلیس از سال ۱۳۴۵ به‌صورت درجه‌داری و از سال ۱۳۴۸ به‌صورت افسری آغاز شد، ولی پس از انقلاب و با تصویب قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۶ و نیز قوانین و مقررات نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۴، آموزش زنان برای مشاغل انتظامی مدتی متوقف شد. پس از اصلاح تبصره ماده (۲۰) قانون و مقررات استخدامی ناجا در خردادماه سال ۱۳۷۷ درباره‌ی استخدام زنان در مشاغل انتظامی مجاز شد (شایگان، ۱۳۸۲: ۱۰۳ و ۱۰۴). همچنین نخستین کلانتری ویژه‌ی بانوان در ایران در سال ۱۳۸۲ در اطراف حرم امام رضا (ع) در مشهد راه‌اندازی شد (رجبی، ۱۳۹۰: ۱۳۸).

ضرورت حضور پلیس زن در جامعه امری الزامی، آشکار و انکارناپذیر است، ولی باید این حضور با تمهیدات و مقدمات بهتر و بیشتری انجام شود تا ضمن روشنگری‌های لازم برای افکار عمومی، به‌منظور شناخت ضرورت و اهمیت موضوع و نیز فراهم‌شدن زمینه‌های پذیرشی جامعه، حمایت و

همکاری آنها را در برگرفته و زمینه‌های توفیق و توسعه پلیس زن را فراهم کنند. به کارگیری زنان به‌منظور انجام مأموریت‌های اصلی نیروی انتظامی از نظر رعایت موازین شرعی و حفظ ارزش‌های اسلامی و نیز دوری کارکنان مرد از مفسده‌های اجتماعی ناشی از شغل و همچنین حمایت از منزلت انسانی زنان متهم و جلوگیری از تضييع حقوق ایشان ضروری است. بر این اساس قانون‌گذار در ماده (۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۱ به‌صراحت مقرر می‌دارد:

بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش‌دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود.

ماده (۱۳۴) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز «حق دسترسی زنان به نیروی انتظامی و ضابطین دادگستر زن در صورت تعرض، بزه‌دیدگی، اتهام و ارتکاب جرم» را از جمله حقوق قضایی زنان برمی‌شمرد.

تا پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ و با توجه به گستردگی ضابطان دادگستری در بعضی از موارد از سربازان وظیفه به‌جای مأمور تحقیق و مأمور انجام دستورات قضایی استفاده می‌شد. از آنجاکه این افراد هیچ‌گونه اطلاعات قضایی نداشته و به‌خوبی از عهده‌ی وظایف ضابطی بر نمی‌آمدند، ممکن بود در اثر اقدامات آنها به حقوق متهم آسیب وارد شود (به‌خصوص راجع به حقوق متهمان زن با عنایت به اینکه سرباز وظیفه زن نداریم). از طرفی با توجه به اینکه اقدامات اولیه ضابطان دادگستری زیربنای پرونده‌ی کیفری را تشکیل می‌دهد، ممکن بود در این مرحله نخستین تعرض به حقوق متهم و سایر شهروندان محقق شود که خوشبختانه قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به این معضلات موجود توجه کرده و احراز عنوان ضابط دادگستری را مطابق ماده (۳۰) این قانون، علاوه بر وثاقت و مورد اعتماد بودن به فراگیری آموزش‌های لازم زیر نظر مرجع قضایی مربوط و تحصیل کارت ویژه ضابطان دادگستری منوط کرده است و هرگونه اقدام و تحقیقی که از سوی افراد فاقد این کارت انجام شود، از نظر قانونی بی‌اعتبار است. یعنی ضمانت اجرای تخلف از ضرورت وجود ضابطان زن نسبت به زنان متهم، مستفاد و مستخرج از ماده (۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری، بی‌اعتباری تحقیقات است. علاوه بر این، اگر تحقیقات و بازجویی‌ها و دیگر امور مربوط به متهمان به‌وسیله‌ی ضابط مرد (حال چه سرباز وظیفه و چه نیروی کادری) به‌هتک و نقض حقوق متهم زن منجر شود، می‌توان ضمانت اجرای انتظامی و کیفری توأمان اعمال کرد.

ب- ضرورت وجود ضابطه زن: ماده (۶) دستورالعمل روابط کاری کارکنان انتظامی زن مقرر می‌دارد که یگان‌های انتظامی ناجا ملزم به استفاده از خدمات انتظامی زن در مشاغل هستند که به‌نحوی به بازرسی بدنی زنان نیاز دارد. برخی از این موارد عبارت‌اند از: بازرسی زنان در هنگام ورود و خروج به اماکن و تأسیسات، مبادی ورودی به شهرها، فرودگاه‌ها و... همچنین براساس ماده (۱۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری:

تفتیش و بازرسی از منزل یا محل سکناى افراد در حضور متصرف یا ارشد حاضران و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان و مجاوران آن به‌عمل می‌آید.

بنابراین ورود به اماکن خاص زنان یا حریم‌های خانه برای رعایت موازین شرعی و حرمت افراد باید با حضور ضابطان زن انجام شود؛ بنابراین ضروری است در این باره در قانون آیین دادرسی کیفری مقررات دقیق‌تر و گسترده‌تری اضافه شود، تا همه‌ی زوایا و مباحث مربوط به زنان چه در خصوص متهمان و چه در خصوص بزه‌دیدگان و شکات کاملاً رعایت شود. چنان‌که بیان شد، ماده (۱۳۴) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان نیز بر لزوم دسترسی زنان به ضابطین زن تأکید دارد. در خصوص ضمانت اجرای تخلف از این حقوق می‌توان به ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرد که علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی، حبس از دو ماه تا سه سال را تعیین کرده است. همچنین باید توجه داشت که رعایت نکردن حقوق دفاعی متهمان و هتک ایشان، در فرایند کیفری، از قبیل بازرسی بدنی زنان و بازرسی از اماکن مخصوص بانوان به‌وسیله‌ی ضابط مرد، ممکن است ضمانت اجرای اداری و کیفری را برای پلیس به‌دنبال داشته باشد (صابری، ۱۳۹۳: ۲۰۸).

ج- لزوم آموزش ضابطان زن برای بازجویی از متهمان زن: براساس ماده (۲۸) قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله‌ی وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می‌کنند. در بسیاری از مواقع نمی‌توان در صحنه، دلایل مادی مانند آثار انگشت، آثار پا، خون، مو و وسایل متعلق به مجرم (مانند اسناد و مدارک و ابزار) را به‌دست آورد تا بتوان با دلایل علمی و آزمایشگاهی آن را منتسب به مظنونین کرد. در این وضعیت تنها راه موجود دریافت نظر کارشناسی افراد مجرب و کارآزموده با استفاده از فنون بازجویی است (جشان،

۱۳۸۱: ۴۹)؛ به خصوص اینکه تحقیقات مقدماتی و کشف جرم، موضوعی فنی و تخصصی است و به تجربه و آموزش نیاز دارد. بنابراین نمی‌توان آن را به مراجعی سپرد که تخصص کافی ندارند (قاسم‌پور، ۱۳۸۱: ۵۹). ملاحظه می‌شود که بازجویی در مراحل ابتدایی یک پرونده‌ی کیفری بسیار مهم است؛ بنابراین به تحقیق از متهم در مورد مشارکت احتمالی وی در ارتکاب جرم که بیشتر جنبه‌ی مصاحبه‌ای دارد، بازجویی گفته می‌شود، اما باید توجه داشت که در کنار اعطای حق بازجویی به پلیس، تدابیری اتخاذ شود که جلوی هرگونه تعدی احتمالی به حقوق و آزادی‌های متهم گرفته شود. پذیرش حق سکوت، ممنوعیت شکنجه و لزوم سیاست جنایی افتراقی برای کودکان و بانوان از مهم‌ترین این تدابیر است.

طبق ماده (۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری، بازجویی و تحقیقات از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید به وسیله‌ی ضابطان آموزش دیده‌ی زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. فایده‌ی انجام بازجویی به وسیله‌ی ضابط زن این است که متهمان زن به لحاظ همجنس بودن نمی‌ترسند و احساس امنیت بیشتری می‌کنند و به راحتی به سؤالات آنها پاسخ داده و مرعوب نمی‌شوند. به دلیل کاهش ترس بانوان از حضور بازجوی زن در محاکم، این موضوع باعث امنیت قضایی نیز خواهد شد.^۱

از سوی دیگر، با وجود بازجوی زن و نبود مانع، اگر تحقیقات را بازجوی مرد انجام دهد، علاوه بر بی‌اعتبار شدن بازجویی و تحقیقات، عملی خلاف قانون رخ داده و ضمانت اجرای آن طبق ماده (۶۳) قانون آیین دادرسی کیفری سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی خواهد بود. «انفصال از خدمات دولتی» که در ماده فوق به عنوان ضمانت اجرای تکلیف مقرر برای ضابطان تعیین شده، در قوانین کیفری در شمار یکی از مجازات‌های کیفری آمده است. بنابراین با وجود استفاده از کلمه «تخلف» در صدر ماده نقض مقررات مندرج در مواد یاد شده، جرم بوده و در صلاحیت مراجع قضایی است و از آنجا که مرتکبان این تخلفات، ضابط دادگستری بوده و در مقام ضابط بودن مرتکب جرم شده‌اند، تعقیب و محاکمه‌ی آنها در مراجع عمومی امکان پذیر خواهد بود. این نکته را نیز نباید فراموش کرد که انفصال از خدمات دولتی هم در مقررات مربوط به تخلفات اداری در شمار یکی از مجازات‌های انتظامی آمده است و هم در قوانین کیفری در زمره‌ی یکی از مجازات‌های کیفری ذکر شده است. حال که در متن ماده سخن از محکومیت است و در قوانین کیفری در شمار یکی از مجازات‌های کیفری آمده است، به این معنا نیست که جرم محسوب شدن

۱. البته مستند به عبارت «در صورت امکان» در متن ماده (۴۲) قانون آیین دادرسی کیفری باید به این نکته نیز توجه کرد که اگر بازجویی از زنان و کودکان از سوی بازجوی مرد انجام شود -در صورت نبود بازجوی زن تعلیم‌دیده- پذیرفته خواهد شد.

رفتار یک ضابطه، مانع از تخلف اداری تلقی شدن همان رفتار و رسیدگی به آن در هیئت رسیدگی به تخلفات اداری است. در این صورت، هیئت مذکور می‌تواند از سایر تنبیهات اداری مقرر برای کارمندان نیز استفاده کند.

از سوی دیگر، براساس بند «۴» ماده واحده قانون «احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳»، رعایت اخلاق و موازین اسلامی در جریان تحقیقات، کشف و تعقیب جرایم ضروری است. موازین اخلاقی و شرعی ایجاب می‌کند در تحقیق و بازرسی از زنان در جریان رسیدگی‌های کیفری، از یک طرف، به‌منظور حمایت و احترام به مقررات شرعی و ارزش‌های دینی، ضوابط و قواعد خاصی رعایت شود و از طرف دیگر، برای حفظ کرامت بانوان و آسایش و امنیت روانی آنها ضابطان قضایی آموزشی دیده‌ی زن اقدامات لازم را انجام دهند. به همین علت، ماده (۱۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ رعایت موازین شرعی در بازرسی از متهمان زن را ضروری اعلام کرده بود. بدیهی است با تکیه به ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های دینی می‌توان «رعایت موازین شرعی» را در لمس نکردن بدن بانوان به‌وسیله‌ی مأموران مرد، همراهی، انتقال، اعزام و بدرقه‌ی آنها به‌وسیله‌ی مأموران زن و به‌طور کلی انجام تحقیق و بازرسی از متهمان زن به‌وسیله‌ی مأموران زن مشاهده کرد. این موضوع در ماده (۴۲) قانون جدید آیین دادرسی کیفری بازتاب یافته است. براساس این ماده، بازرسی و تحقیقات از زنان را ضابطان آموزش دیده زن انجام می‌دهند، بازرسی ضمن اینکه خود می‌تواند انجام این اقدامات را برعهده گیرد، به‌منظور حمایت از زه‌دیده یا خانواده او در برابر خطرات احتمالی می‌تواند انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور دهد. کمااینکه این نکته در ماده (۹۷) قانون آیین دادرسی کیفری نیز بازتاب یافته است (مؤذن‌زادگان و تدین، ۱۳۹۳: ۴۴).

از طرف دیگر، نگاه جرم‌شناختی بازرسی در مورد زنان باید متفاوت و نزدیک به حقوق زن باشد. با توجه به اینکه حقوق متهم باید رعایت شود به جنسیت هم باید توجه شود. بنابراین قوه قضائیه موظف است تمام این مسائل را به بازرش‌های خود آموزش دهد. علاوه‌براین، بازرسی باید دوره‌های علمی و کارشناسی درباره‌ی فنون مصاحبه و بازرسی را بگذراند و در این دوره‌ها با مسائل حقوقی، محدودیت‌های بازرسی، تنظیم و اجرای بازرسی آشنا شود.

بنابراین می‌توان گفت که طبق قانون سه شرط تضمینی مهم در بازرسی ضابطان از متهمان زن باید رعایت شود.

نخست آنکه، حتی‌الامکان از ضابطان زن برای این گروه از متهمان استفاده شود (هرچند بهتر است که قانون‌گذار در اصلاحیه‌های بعدی این قانون، جمله «در صورت امکان» را از متن

ماده حذف کند تا این موضوع مهم کاملاً الزامی شود؛ دوم اینکه ضابطان آموزش‌ها و مهارت‌های علمی و عملی لازم را در رویارویی با این قبیل متهمان آموخته باشند؛ در نهایت اینکه بازجویی از زنان باید با رعایت موازین شرعی انجام شود. چنانچه اجرای مفاد این ماده امکان‌پذیر باشد و انجام نشود، ضمانت اجرای مقرر در ماده (۶۳) یعنی محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی اجرا خواهد شد.

گفتنی است، برای حمایت از بانوان در نظام کیفری لزوماً نباید دنبال ماده قانونی و مقرر به خصوصی بود، بلکه خیلی از مسائل در رویه‌ها نیز کمک می‌کنند (محمدزاده، ۱۳۹۴: ۸۶).

۲. حقوق اختصاصی متهمان زن در مرحله دادرسی

دادگستری به‌عنوان مرجع تظلمات عمومی باید در مقام رسیدگی به دعاوی و صدور حکم با تمام توان برای تحقق عدالت کوشش کند. بدیهی است حصول این نتیجه مستلزم رعایت تشریفات است که بدون آنها امکان تحقق محاکمه‌ای مبتنی بر معیارهای عادلانه امکان‌پذیر نیست. دادرسی فوری و بدون تأخیر ناموجه،^۱ دادگاه قانونی،^۲ برگزاری علنی جلسه‌ی دادرسی،^۳ حضور هیئت منصفه^۴ و حضور وکیل دادگستری^۵ از شرایط برقراری محاکمه‌ی منصفانه هستند. علاوه بر این موارد، نظام حقوقی ایران در مرحله‌ی دادرسی حقوقی همچون غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی و مددکاری و مشاوره زنان متهم به‌وسیله‌ی زنان را خاص متهمان زن پیش‌بینی کرده است.

الف- غیرعلنی بودن جلسات رسیدگی: یکی از قواعد حاکم بر دادرسی‌های کیفری، علنی بودن محاکمات است. اصل علنی بودن دادرسی که در قوانین ایران ریشه در قانون اساسی دارد، یکی از مهم‌ترین تضمینات حقوق دفاعی متهم محسوب می‌شود. مطابق ماده (۱۸۸) قانون آیین دادرسی

۱. اصل (۳۲) قانون اساسی: هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه، در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود.

۲. اصل (۱۵۶) قانون اساسی: قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است: الف) رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند؛ ب) احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع؛ ج) نظارت بر حسن اجرای قوانین؛ د) کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام؛ ه) اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

۳. اصل (۱۶۵) قانون اساسی: محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است مگر آنکه به تشخیص دادگاه، علنی بودن آن منافی عفت عمومی یا نظم عمومی باشد یا در دعاوی خصوصی طرفین دعوا تقاضا کنند که محاکمه علنی نباشد.

۴. اصل (۱۶۸) قانون اساسی: رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیئت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیئت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون براساس موازین اسلامی معین می‌کند.

۵. اصل (۳۵) قانون اساسی: در همه دادگاه‌ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود.

کیفری، اصل بر علنی بودن محاکمات است، اما قانون گذار - بنا به پاره‌ای از مصالح همچون حمایت از اخلاق و امنیت روانی اجتماع - به دادگاه اجازه داده است تا جلسه‌ی دادرسی غیرعلنی برگزار شود. بنابراین در فرایند دادرسی در حقوق کیفری ایران جلسه‌ی محاکمه علنی برگزار می‌شود، مگر اینکه قانون گذار علنی بودن رسیدگی را بنابر ملاحظات منع کرده باشد؛ همچنان که بررسی رویه‌ی قضایی نشان می‌دهد، به‌منظور پاسداشت اخلاق حسنه و صیانت از کرامت انسان‌ها به‌ویژه در جرایم منافی عفت و جرایم جنسی اجازه‌ی سری بودن جلسات داده شده است. بنابراین هرچند علنی بودن دادرسی از ابزارهای رعایت دادرسی منصفانه برشمرده شده است، گاهی به‌دلیل نظم عمومی یا اخلاق حسنه یا امنیت عمومی، این علنی بودن محدود شده است و آنجا که کرامت انسان‌ها تهدید می‌شود - به‌منظور احترام به شهروندان اجتماع و حفظ جایگاه فردی و اجتماعی آنها به‌ویژه احترام به شأن و منزلت بانوان که به‌دلیل وضعیت جسمانی و فیزیولوژیک و عوامل روان‌شناختی نسبت به مردان موقعیت متفاوتی دارند - از این اصل عدول شده است (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۰). بنابر مطالب بیان شده، یکی از حمایت‌هایی که در بستر دادرسی کیفری می‌توان از زنان متهم انجام داد، برگزاری جلسات غیرعلنی محاکمات بانوان است. باعنایت به مطالب گفته شده، شاید بتوان رویکرد تدوین‌کنندگان قانون جدید آیین دادرسی کیفری را در جرایم منافی عفت - که دادن تصویر یا رونوشت از اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات در این گونه جرایم را ممنوع اعلام کرده‌اند - علاوه بر حفظ اخلاق جامعه، حمایت از بزه‌دیدگان این گونه جرایم - اغلب زنان جامعه هستند - دانست (مؤذن‌زادگان و تدین، ۱۳۹۳).

۱۲۶

ب- مددکاری و مشاوره زنان متهم به‌وسیله‌ی زنان: کاهش مشکلات زنان متهم و حل معضلات در زمان تنش‌ها و فشارهای عصبی بیشتر آنها نسبت به مردان در کلانتری‌ها و مراجع قضایی و ارتقای سطح بهداشت روانی بانوان و خیلی مسائل مهم دیگر، ضرورت امر مددکاری و خدمات مشاوره‌ای را برای زنان متهم نمایان می‌کند. بر این اساس، ضابطان دادگستری مکلف‌اند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه کنند.^۱

امروزه، با پیشرفت تکنولوژی و افزایش مشکلات افراد در جامعه نیاز به مددکاری اجتماعی در سطح گسترده احساس می‌شود. خدمات مددکاری اجتماعی در قالب ارائه‌ی مشاوره و راهنمایی به افراد آسیب‌دیده و یا آسیب‌پذیر، مانند کودکان و زنان متهم و بزه‌کار، بزه‌کار زندانیان، مراکز و

۱. مطابق با ماده (۳۸) قانون آیین دادرسی کیفری.

مؤسسات دولتی و غیردولتی مانند کانون‌های اصلاح و تربیت، آموزش و پرورش، مراجع قضایی، ادارات و... نقش بسیار مهمی در حل مشکلات افراد، پیشگیری از جرایم و حتی کاهش جرایم داشته است.

ماده (۱۳۷) منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان حق استفاده از وکیل و مشاور حقوقی در دادگاه یا سایر مراجع قانونی را از جمله حقوق قضایی زنان برشمرده است.

در «دستورالعمل روابط کاری کارکنان انتظامی زن» ارائه‌ی خدمات مشاوره و مددکاری مرتبط با زنان به زنان انتظامی شاغل در ناجا سپرده شده است.^۱ این دستورالعمل بیان می‌کند، در مراکز مشاوره‌ی کلانتری‌ها که محل مراجعه‌ی خانواده‌ها، بانوان و همچنین مددکاری اجتماعی به خانواده‌های شهدا و ایثارگران در موضوع‌های مرتبط با بانوان است، الزاماً باید از خدمات کارکنان انتظامی زن استفاده شود و تخطی از آن تخلف انتظامی محسوب می‌شود.^۲ در این مورد توجه به تبصره (۲) ماده (۴۱۰) قانون آیین دادرسی کیفری^۳ مبنی بر اینکه «در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد» نیز ضروری است. ماده (۴۱۰) و تبصره‌های آن درباره‌ی متهمانی است که وارد مرحله‌ی دادرسی شده‌اند و در حال محاکمه هستند. در آنجا طبق اصول انسانی، باید در کنار قضاوت مشاور زن حضور داشته باشد تا در صورت نیاز به آنها مشاوره‌های لازم دهد، اما با توجه به فلسفه‌ی این ماده و تبصره‌های آن و همچنین الزامات اسناد بین‌المللی مختلف باید از این مشاوره‌ها در مرحله‌ی دادرسی و حتی کشف و تعقیب نیز (در کنار ضابط و بازپرس) استفاده شود تا حقوق بانوان متهم کامل محفوظ بماند و زنان احساس امنیت و آرامش بیشتری کنند.

ضمانت اجرای تخلف از این مقررات در ماده (۶۳) قانون آیین دادرسی کیفری محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی ذکر شده است.

۱. دستورالعمل‌های خدمتی پایوران انتظامی زن، ماده (۶).

۲. دستورالعمل‌های خدمتی پایوران انتظامی زن، ماده (۹).

۳. ماده (۴۱۰) مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

تبصره «۱» برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌کند. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

تبصره «۲» در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

۳. حقوق اختصاصی متهمان زن پس از مرحله دادرسی یا اجرای حکم

اجرای حکم، آخرین مرحله‌ی دادرسی کیفری و درحقیقت مرحله‌ی بهره‌برداری از دادرسی محسوب می‌شود. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران حقوق قضایی زنان در مرحله‌ی اجرای حکم را در مواد (۱۴۰) تا (۱۴۴) به شرح زیر بیان کرده است:

- ۱۴۰- حق زنان در معافیت از مجازات در صورت وجود عوامل رافع مسئولیت کیفری؛
- ۱۴۱- حق اعاده حیثیت زنان در اثر تقصیر، اشتباه قاضی در موضوع حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص و جبران خسارت مادی و معنوی از آنها؛
- ۱۴۲- حق برخورداری از تخفیف قانونی از نظر میزان مجازات و یا معافیت از آن و یا نحوه اجراء، در صورت ندامت و اثبات توبه زنان بزهکار در زمان بارداری، شیردهی و بیماری؛
- ۱۴۳- حق زنان در ملاقات والدین، فرزندان و همسر در دوران حبس طبق قوانین کشور؛
- ۱۴۴- حق زنان در برخورداری از امکانات مناسب بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و تربیتی در زندان‌ها برای اصلاح و بازگشت به زندگی سالم اجتماعی.

حقوق موضوعه ایران حق بانوان متهم را در دو مورد به شرح زیر برشمرده است:

الف- حق متهم زن برای همراه داشتن طفل خود: به دلیل خصوصیات جسمی و روانی بانوان و آسیب‌پذیری بیشتر این قشر، حضور زنان در زندان به آسب‌های دیگری در آینده منجر می‌شود، زیرا بیشتر این زنان در خارج از زندان فرزند یا فرزندان دارند و بسیاری از این کودکان در بیرون از این محیط شرایط امنی ندارند و کسی برای مراقبت از آنها وجود ندارد. به نظر می‌رسد، اولویت باید با اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در فرض محکوم‌شدن و یا تأسیسات ارفاقی قانون آیین دادرسی کیفری درباره‌ی متهمان همچون تعلیق تعقیب برای مادران و زنان (به خصوص زنان باردار) باشد و در مرحله‌ی دوم، ایجاد شرایط محیطی در زندان و بازداشتگاه که کودکان بتوانند در محیطی ایمن از لحاظ روحی و روانی در کنار مادر قرار گیرند. این موضوع را باید در نظر داشت که برخلاف رویه‌ی موجود مهد زندان اولویت نیست، بلکه تفکیک مادران زندانی که فرزند کوچک دارند از سایر زنان زندانی اولویت دارد. در همه‌ی این موارد سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن مددکاری اجتماعی و خیریه‌ها می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند (موسوی چلک، ۱۳۹۷).

تبصره «۱» ماده (۶۹) «آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۴» درخصوص این حق مقرر کرده است: «محکومان و متهمان زن می‌توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به‌همراه داشته باشند». در مورد ضمانت اجرای این ماده باید دانست

که متخلف علاوه بر اینکه مشمول مجازات مندرج در ماده (۵۷۶) قانون مجازات اسلامی کتاب پنجم (انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال) خواهد شد، در زمره‌ی ضمانت اجرای مصوبه شورای عالی اداری درباره‌ی منشور حقوق شهروندی در نظام اداری (ماده ۱۹) نیز قرار می‌گیرد.

ب- لزوم همراهی مأمور بدرقه زن: ماده (۵۱۳) قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد:

اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادرکننده حکم در برگه مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان همان حوزه قضایی یا نزدیک‌ترین حوزه قضایی آن استان، حسب مورد، به همراه مأمور بدرقه زن و یا مرد و با رعایت موازین مراقبتی، اعزام و معرفی می‌شوند.

ماده (۱۳۰) قانون آیین دادرسی کیفری، رعایت موازین شرعی در بازجویی از متهمان زن را ضروری اعلام کرده است. بدیهی است، با تکیه به ارزش‌های اسلامی و آموزه‌های دینی می‌توان «رعایت موازین شرعی» را در لمس نکردن بدن بانوان به‌وسیله‌ی مأموران مرد، همراهی، انتقال، اعزام و بدرقه‌ی آنها به‌وسیله‌ی مأموران زن و انجام تحقیق و بازجویی از بانوان را به‌وسیله‌ی مأموران زن مشاهده کرد. قانون‌گذار در تحقیق و بازرسی در امور کیفری، مسئولان تحقیق را به رعایت احتیاط به‌ویژه در مواجهه با اعمال منافی عفت که در پاره‌ای از این جرایم - زنان بزه‌دیده یا مجرم قلمداد می‌شوند- مکلف کرده و در مقام حمایت از بزه‌دیدگان و حفظ شئون اخلاقی اجتماع، محدودیت‌های خاصی را در فرایند رسیدگی ایجاد کرده است (خالقی، ۱۳۸۷: ۱۵۲).

بنابراین تفتیش و بازرسی باید با «حفظ موازین شرعی و قانونی» انجام شود. رعایت این موازین به‌ویژه وجوه شرعی آن ایجاب می‌کند در برخورد با بانوان از اقداماتی که خلاف اصول و ضوابط شرعی و اسلامی است خودداری شود و به همین علت، ماده (۱۳) لایحه «حمایت از حریم خصوصی» مقرر می‌دارد: «بازرسی بدنی افراد باید ... درمورد زنان توسط زن به عمل آید» (جعفری، ۱۳۸۵: ۷).

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آسیب‌پذیری زنان که بیش از هر چیز در بزه‌دیدگی آنها نقش دارد، زنان را شایسته‌ی حمایت‌های ویژه‌ای می‌کند (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۲۴). پیشگیری از بزه‌دیدگی دوباره‌ی زنان -به‌ویژه بزه‌دیدگی قضایی در جریان دادرسی‌های کیفری- ایجاب می‌کند که از آنها -چه به‌عنوان شاکی و بزه‌دیده و چه به‌عنوان متهم در سطح سیاست جنایی تقنینی و قضایی کشور- حمایت‌های مناسبی شود. از مجموع مباحث مطرح شده چنین برمی‌آید:

۱. در قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی، حاکمیت‌ها با استفاده از قدرت عمومی خود نسبت

به نقض قوانین و مقررات شناسایی این حقوق عکس‌العمل نشان می‌دهند که به آن ضمانت اجرا اطلاق می‌شود.

۲. بانوان متهم به دلیل ویژگی‌های جنسیتی و آسیب‌پذیری در تضمین حقوق خویش به حمایت بیشتری نیاز دارند.

۳. همراه داشتن طفل، بازجویی به‌وسیله‌ی ضابط آموزش‌دیده‌ی زن، حق دسترسی راحت به تسهیلاتی برای مراقبت‌های قبل و بعد از زایمان و حق وضع حمل در بیمارستانی خارج از بازداشتگاه، حمایت تشکل‌ها و نهادهای مدنی مرتبط با زنان، ضرورت وجود پلیس زن برای حمایت از منزلت انسانی زنان متهم و بزهکار، لزوم بازرسی بدنی زنان و بازرسی از اماکن مخصوص بانوان به‌وسیله‌ی ضابط زن، مددکاری و مشاوره‌ی زنان متهم به‌وسیله‌ی زنان مهم‌ترین حقوق بانوان متهم تلقی می‌شود.

۴. ضروری است در خصوص حق اول و سوم قانون‌گذار در قانون آیین‌دادرسی کیفری مقرراتی جدید و همگام با حقوق بین‌الملل وضع کند. در مورد حق دوم نیز در اصلاحیه‌های بعدی قانون آیین‌دادرسی کیفری جمله «در صورت امکان» را حذف کند تا این موضوع مهم ضمانت اجرای قوی‌تری داشته باشد.

۵. حبس و جزای نقدی ناقض حقوق زنان متهم از جمله مصادیق ضمانت اجرای کیفری، محرومیت و انفصال از خدمات دولتی از جمله ضمانت اجرای اداری و انتظامی جبران خسارت و جزء سازوکارهایی است که در حمایت از حقوق بانوان متهم پیش‌بینی شده‌اند.

۶. قانون‌گذاری آن دسته از مقررات بین‌المللی که با اصول و مسلمات اسلام مغایرتی ندارند و همچنین اختیار رویه‌ای قضایی افتراقی در خصوص بانوان متهم از مهم‌ترین راهبردها درباره‌ی توسعه‌ی حقوق بانوان متهم به‌شمار می‌آید.

منابع

- ◀ باقری نژاد، زینب، ۱۳۸۸. بررسی تطبیقی پلیس در حمایت از کودکان شاهد جرم، تهران: حدیث کوثر.
- ◀ پرنزله، تیم و جوجینیا سین کلایر، ۱۳۹۶. «وضعیت افسران پلیس زن؛ یک بررسی بین‌المللی»، ترجمه نبی‌اله غلامی و الهام قائدرحمتی، پلیس زن، ش ۲۶.
- ◀ جشان، داوود، ۱۳۸۱. مصاحبه و بازجویی جنایی، تهران: اندیشه خرداد.
- ◀ جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۷. مقدمه عمومی علم حقوق، تهران: گنج دانش.
- ◀ _____، ۱۳۷۰، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.
- ◀ جعفری، عباس، ۱۳۸۵. «بررسی حق حریم خصوصی». تعالی حقوق، سال اول، ش ۲.
- ◀ خالقی، علی، ۱۳۸۷. آیین دادرسی کیفری. تهران: شهر دانش.
- ◀ _____، ۱۳۹۴. نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، تهران: شهر دانش.
- ◀ رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴. بزه‌دیده شناسی حمایتی، تهران: دادگستر.
- ◀ رجبی، ابراهیم، ۱۳۹۰. «پلیس زن و حقوق شهروندی زنان بزه‌کار و بزه دیده در جرایم مواد مخدر و روان‌گردان»، پیشگیری از جرم، ش ۲۱.
- ◀ رحیمی نژاد، اسماعیل، ۱۳۸۷. کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران: میزان.
- ◀ شاملو، باقر، ۱۳۸۳. «اصل برائت در نظام‌های نوین دادرسی»، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: سمت.
- ◀ شایگان، فریبا، ۱۳۸۲. «مبانی و اصول به‌کارگیری پلیس زن»، دانش انتظامی، ش ۳.
- ◀ شریفیان، جمشید، ۱۳۸۰. راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، تهران: وزارت امور خارجه.
- ◀ صابری، محمود و عبدالرسول دانش‌نژاد، ۱۳۹۳. «جایگاه آموزش ضابطان در فرآیند دادرسی کیفری با تأکید بر قانون جدید آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲»، علوم انتظامی، ش ۴.
- ◀ غروی، سیدمحمدجواد، ۱۳۷۳. مبانی حقوق در اسلام، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- ◀ غفاری، هدی و عاطفه عباسی کلیمانی، ۱۳۸۵، «مروری بر حقوق متهم در نظام حقوقی ایران با رویکردی بر اسناد فراملی»، ندای صادق، ش ۴۳.
- ◀ قاسم پور، ابوالقاسم، ۱۳۸۱، ضابطان قوه قضاییه و وظایف آنها، تهران: افق امید.
- ◀ محمدزاده، جواد، ۱۳۹۴. تأثیر جنسیت مجرم به صدور قرارهای تأمینی و احکام کیفری از منظر جرم‌شناختی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات شاهرود به راهنمایی عسل عظیمیان).
- ◀ محمدی، همت، اکبر وزوایی و ایوب نوریان، ۱۳۹۵. «مشارکت سازمان‌های مردم نهاد در فرایند کیفری»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۲.

- ◀ محمدنسل، غلامرضا، ۱۳۸۷. پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- ◀ موزن‌زادگان، حسنعلی و عباس تدین، ۱۳۹۳. «زن در آیین دادرسی ایران و فرانسه»، پژوهش حقوق کیفری، ش ۶.
- ◀ مهرپور، حسین، ۱۳۷۹. مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی، تهران: مؤسسه اطلاعات.
- ◀ مهرا، نسرين، ۱۳۸۴. زن و حقوق کیفری، تهران: سلسبیل.
- ◀ موسوی چلک، سیدحسن، ۱۳۹۷. «رویکرد قانون در برابر مجازات مادران مجرم چیست؟»
<http://www.iribnews.ir/009BJ0>
- ◀ مهرا، نسرين، ۱۳۸۴. مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی زن در حقوق کیفری؛ گذشته، حال، آینده، تهران: سلسبیل.
- ▶ “Married Women’s Property Act, 1848. New York State”. Womenshistory.about.com. Retrieved 30 August 2011.
- ▶ Hosken, Fran P, 1981. “Towards a Definition of Women’s Rights” in *Human Rights Quarterly*, Vol. 3, No. 2.
- ▶ Coyle, Andrew 2002. International Centre for Prison Studies. 2nd ed. London.
- ▶ FAO (1996). Women and Agriculture, Plane of Action for Women in Development. Fao pub.
- ▶ UN Office on Drugs and Crime and the Organisation for Security and Co-operation in Europe, Criminal Justice Assesment Toolkit; Custodial and Non-custodial Measures: 2 Detention prior to adjudication ((UN Office on Drugs and Crime and OSCE).
- ▶ Recommendation Rec (2006) 13 of Committee of Ministers of the council of Europe to member state on the use of remand in custody (adopted 27 setember 2006).
- ▶ Acocal, L (1998), quoted in Bastick, M (2005), Commentary on the Standard Minimum Rules for the Treatment of Prisoners (Quaker united Nation Office).
- ▶ Townhead, Laurel, 2007, Pre-Trial Detention of Women and its impact on their children, Quaker United Nation Office.